

مداد رنگی های

مکتب



درس مهم بخش اول

گروه سنی ۴-۷ سال

آیات کلیدی: افسسیان ۴: ۳۱-۳۲

هدف: بچه‌ها در این جلسه می‌آموزند که یکدیگر را ببخشند و با این بخشش یکدیگر را محبت کنند.

زمان: ۲۰-۳۰ دقیقه (از قبل با همکاران تان تمرین کنید و مطمئن شوید که بیشتر از زمان جلسه طول نمی‌کشد)

سخنی با معلم:

نارنجی به کلاس می‌آید و به بچه‌ها سلام می‌کند. از بچه‌ها بخواهید نقاشی‌ای که هفته گذشته از تیغ تیغی کشیده‌اند را به نارنجی نشان دهند. از یک یا دو نفر از بچه‌ها بخواهید داستان تیغ تیغی را به صورت خلاصه برای نارنجی تعریف کنند.

(در صورتی که بچه‌ها نتوانستند داستان تیغ تیغی را تعریف کنند، نارنجی می‌تواند با دیدن عکس تیغ تیغی هیجان زده شود و به بچه‌ها بگوید که تیغ تیغی را می‌شناسد و به صورت خلاصه داستان رابطه خودش با تیغ تیغی را تعریف کند.)

تعلیم (۱۰-۱۵ دقیقه)

داستان زیر مصاحبه‌ای بین معلم و نارنجی خواهد بود.

نارنجی: این که تیغ تیغی خودمونه.

معلم: تو تیغ تیغی رو می‌شناسی؟

نارنجی: می‌شناسم؟ تیغ تیغی و قوری قوری دوستای جون جونی منن.

معلم: بچه‌ها جون جونی یعنی خیلی نزدیک.

نارنجی: آره خیلی خیلی خیلی نزدیک، اما یک بار خیلی خیلی دور شد. (نارنجی با جمله‌اش خنده‌اش می‌گیرد)

معلم: جدی؟ چرا؟

نارنجی: داستانش خیلی طولانیه.

معلم: اشکال نداره. ما دوست داریم خاطرات رو بشنویم. ما از داستان‌های

همدیگه خیلی چیزها می‌تونیم یاد بگیریم.

نارنجی: خوب وقتی راجع به تیغ تیغی صحبت می‌کردین یاد یه روزی افتادم که

من و تیغ تیغی داشتیم بازی می‌کردیم. من اون روز خواستم با تیغ تیغی شوخی

کنم تا همه با هم بخندیم. پس تا سرش پایین بود، زودی توپش رو برداشتم و

دویدم تا تیغ تیغی هم دنبال من بدوه و باهم بازی کنیم. ولی تیغ تیغی از دست

من خیلی خیلی عصبانی شد و بجای اینکه دنبالم بدوه چند تا تیغ به

طرف من پرتاب کرد.

معلم: آخی. آره. منم یادمه که هفته گذشته توی داستان تیغ تیغی شنیدیم که

در این درس بچه‌ها یاد می‌گیرند که همانطور که پدر و مادرها اشتباهات ما را می‌بخشند ما هم باید اشتباهات خواهر و برادر و یا دوستانمان را ببخشیم و در این زمینه از بزرگترهای خود الگو بگیریم.

در این جلسه روباه نارنجی مهمان کانون شادی شما خواهد بود. مقدمه و تعلیم این درس در واقع مصاحبه‌ای بین معلم و روباه است. خردسالان تعلیم را خیلی بهتر از طریق داستان می‌آموزند. همانگونه که شنیدن شهادت زندگی بسیار تأثیرگذار است، داستان روباه به صورت نمادین شهادتی است از تجربه بخشش و محبت بین دوستان و خانواده.

برای ساختن این روباه نارنجی می‌توانید از لینک‌های زیر الگو بگیرید. توجه داشته باشید این الگوها فقط یک ایده است و شما می‌توانید با ابتکار خود روباه نارنجی دیگری درست کنید.

(خیلی مهم است بعد از ساخت روباه روی صورت او چسب زخم بچسبانید)

لینک‌های ساخت عروسک روباه:

• [ایده ۱](#)

• [ایده ۲](#)

مقدمه (۳ دقیقه)

با بچه‌ها سلام و احوال‌پرسی کنید. از آن‌ها بخواهید به دوستانشان نیز سلام کنند.

از بچه‌ها بپرسید در چند هفته گذشته چه کسانی مهمان کانون شادی شما بودند؟ (قوری قوری، موری و بوری، خورشید خانم)

به نظر آن‌ها مهمان این هفته کانون شادی ما چه کسی است؟

بعد از جواب بچه‌ها، مهمان این هفته که روباهی به نام «نارنجی» است را دعوت کنید.

اشتباهش شد و تصمیم گرفت که بره از کسایی که دلشون رو شکسته معذرت‌خواهی کنه؟!

نارنجی: آره، اون روز تیغ‌تیغی رفت دم در خونه همه دوستایی که از دستش ناراحت بودن. اونها هم بخشیدنش ولی برای من خیلی خیلی سخت بود که ببخشم. آخه هنوز زخم روی صورتم خیلی خیلی خیلی درد می‌کرد. برای همین به تیغ‌تیغی گفتم هیچ وقت باهاش بازی نمی‌کنم و اونم با ناراحتی رفت.

معلم: واقعاً؟

نارنجی: مامانم از پشت شیشه من و تیغ‌تیغی رو دیده بود. پس وقتی برگشتم خونه به من گفت: نارنجی یادته همون روزی که با تیغ‌تیغی دعوا شده بود، عصبانی به خونه اومدی سر من داد زدی و حتی لیوان مورد علاقه منو شکستی؟ من همون روز تو رو بخشیدم با اینکه کار خیلی بدی کرده بودی. خدا از ما می‌خواد وقتی خواهر و برادر یا دوستای ما اشتباهی می‌کنن ما هم اون‌ها رو ببخشیم و تلخی‌ها رو از دلمون بیرون کنیم.

معلم: آفرین به مامان نارنجی.

نارنجی: وای خاله می‌دونین وقتی مامانم اینارو به من می‌گفت فهمیدم کار خیلی خیلی خیلی بدی کردم اما مامان مهربونم کار خیلی خیلی بد منو بخشید. همون لحظه به این فکر کردم که کار اگر مامان می‌تونه کار خیلی خیلی بدی رو ببخشم و تلخی‌ای که نسبت به اون توی دلم دارم رو از دلم بیرون کنم.

معلم: آفرین به نارنجی. پس بالاخره با تیغ‌تیغی آشتی کردی؟

نارنجی: معلومه. ما بازم دوستای جون‌جونی هستیم یعنی خیلی خیلی خیلی دوست هستیم (نارنجی می‌خنده)

وقتی عصبانی می‌شد نمی‌تونست خودش رو کنترل کنه و تیغ‌هاش رو به طرف کسی که عصبانی‌اش کرده بود پرتاپ می‌کرد.

نارنجی: تیغ‌هاش هم خیلی خیلی خیلی تیزن. این جای زخمی که روی صورت منه به خاطر تیغیه که تیغ‌تیغی پرتاپ کرد.

معلم: وای بچه‌ها، باید همه ما خیلی مواظب باشیم و هیچ وقت چیز تیزی رو به سمت هم پرتاپ نکنیم چون خیلی خطرناکه.

نارنجی: من اون روز خیلی خیلی خیلی گریه کردم. آخه خیلی خیلی خیلی دردم اومده بود. زودی دویدم و رفتم خونه. به خودم هم قول دادم که دیگه هیچ وقت با تیغ‌تیغی حرف نزنم. وقتی رسیدم خونه مامانم دید که صورتم زخمی شده. مامانم خیلی خیلی نگران شد و از من پرسید که چی شده؟ منم که خیلی خیلی از دست تیغ‌تیغی ناراحت بودم با عصبانیت سر مامانم داد زدم و چون خیلی خیلی عصبانی بودم اصلاً نفهمیدم که چی شد و لیوان روی میز رو که مامانم خیلی خیلی دوستش داشت رو پرت کردم. لیوان هم جرقی شکست.

معلم: ای وای حتماً مامانت کلی از دستت عصبانی شد؟

نارنجی: مامانم از دستم ناراحت شد اما سرم داد نزد. مامان با آرومی نگاهم کرد و ازم خواست که با هم روی مبل بشینیم. بعد رفت جعبه کمک‌های اولیه رو آورد و خودش هم کنارم نشست. اول زخم روی صورتم رو چسب زد و بعدش ازم خواست که براش تعریف کنم که چرا عصبانی بودم. منم همه چیز رو براش تعریف کردم. بعدش هم هر دو با هم رفتیم و لیوان شکسته رو جمع کردیم.

معلم: آفرین نارنجی و آفرین به مامان نارنجی.

نارنجی: اما داستان من تموم نشده. اولش گفتم که خیلی خیلی خیلی طولانیه.

معلم: خوب ما هم داریم خیلی خیلی خیلی گوش می‌کنیم.

نارنجی: چند روز بعد تیغ‌تیغی اومد دمه خونه ما.

معلم: جدی؟

نارنجی: بله، اومد تا ازم معذرت بخواد.

معلم: آفرین تیغ‌تیغی. بچه‌ها یادتونه هفته گذشته چطور تیغ‌تیغی متوجه

کاربرد (۱۰ دقیقه)

در ادامه از نارنجی برای خاطره جالبی که برای کلاس تعریف کرد تشکر کنید و از بچه‌ها بپرسید که آیا برای آن‌ها هم پیش آماده که از دست کسی ناراحت شوند.

ممکن است بعضی از بچه‌ها صحبت نکنند و یا ناراحتی خود را به خاطر نیاورند ولی به آن‌ها توضیح دهید که ممکن است الان کسی به خاطر ما نیاید اما اگر یک روز اتفاقی باعث ناراحتی و تلخی در قلب آن‌ها شد به یاد داشته باشند که یکدیگر را ببخشند زیرا خدا نیز از ما می‌خواهد یکدیگر را ببخشیم. با هم آیه افسسیان ۴: ۳۱-۳۲ را بخوانید و همراه این سرود آیه را با حرکات دست به بچه‌ها یاد دهید.

• لینک سرود و آیه افسسیان ۴: ۳۱-۳۲

جعبه مدارنگی محبت

به بچه‌ها توضیح دهید که امروز با هم در مورد بخشندگی یاد گرفتیم. راستی فکر می‌کنید در جعبه مدارنگی محبت هم ما می‌توانیم مدادی را پیدا کنیم که او هم بخشنده است؟

جواب: رنگ محبت بخشنده رنگ نارنجی است.

با استفاده از این لینک نقاشی روباه نارنجی را با یکدیگر بکشید.

در این فاصله می‌توانید سرود پرستشی «محبت» را پخش کنید.

🔗 سرود پرستشی محبت محبت